

خواب دیدم که خدا بال و پری داده مرا
 شد به گوش دلم این جمله به صد بار القاح
 بکش آن را تو به هر جامه که آن جا دیدی
 تو نکش خجالتی از آقای حاجی‌زاده
 باغبانی است که برده است بسی رنج و تعب
 خون دل خورده به هر لحظه و در هر نفسی
 از نصیرزاده چه گویم ، گل گلزار است او
 گفته‌اند حال بده بر محی‌الدین عزیز
 شاید او گشت سوپروایزر و کوهی ز آتش
 ساعتی خوش بنشین تو بر ، بزرگ‌پناه
 پدر مجموعه را داودآبادی نامست
 آن که عواصه و چترباز و ضد بدیه
 می‌دهد پرورش جسم و همی روح و روان
 پدر پایه هم هر چند جوان می‌باشد
 الغرض ، جمع همه یک دل و یک روح و روان
 دست در دست به امید که مانند گلشن

چشم باز و دل ناز و جگری داده مرا
 صابون خویش تو بردار و برو تا مصباح
 مهراس ، زان که بر این باد نباشی بیدی
 کاین گلستان شده با زحمت او آماده
 جان او آمده زین رنج ، دو صد بار به لب
 ننشیند به رخ مجموعه‌اش خار و خسی
 بر همه یار ، نه ، بهتر ، به همه یار است او
 لیکن از اکبری هر لحظه تو بنما پرهیز
 گنی از هیبت او جانِ پسر ، آخر غش
 در کنارش نشود عمر تو جانانه تباه
 و ز کلامش همه دم شهد و غسل در کامست
 راحت روح و روان آقای موحدیه
 تو اتوبان دلها می‌زنه تک چرخ ، عیان
 ساعدی ، محسن ما ، راحت جان می‌باشد
 همه در فکر تعالی جوان ایران
 باشد آینده‌ی این خاک از این‌ها روشن

کاش فرصت بدهد دست ، زخم سر به کلاس
 سه‌ی یک یا سه‌ی دو یا سه‌ی سه فرقی نیست

به کلاسی که می‌گن قند و غسل یا حلواس
 گل به هر باغ که باشد همه دانند یکی است

در کلاس سه‌ی یک ، شور و شری گشته به پا
 اولین فرد کلاس مهدی امینیان
 سینا بابایی ویالون زنه و خندان
 * بیر عماد وار ، بصیری مهربان و حساس دور
 اون که پارکور کار و از دیوار اونور می‌پره
 ممد عماد جهانگیری ، کاری و فعال
 ناشناخته ، بی‌صدا ، مرموز و از شر بریه
 یک رفیق باز و قوی اندام و الحق خاضع
 اونی که عشق حقوقه ، آملی است ، پاک نهاد
 دانیال خسروی هم مهربون و محبوب
 اهل بسکتبال و تو دل برو و بس خوشنام
 ای وولک ، بچه‌ی اهواز و روبیک باز
 اون که پر حرف و فعال و مونده لاغر
 می با از شیطونی‌هاش کم‌گنه ، صاف و ساده
 قد بلند ، ابرو کمون ، رایانه باز و دیگه چی
 * جوک بی‌مزه می‌گه ، کسرای ریزه میزه
 مبصر خوبی بود ، ارسلان عسگری‌زاده
 بسکه رویایی و ناز و خواب آلوده
 دنبال علم حقوق ، غریبی قهاره
 قهرمان شنا ، چاق و شل و ول؟ ممکن نیست
 دوست صادق زاده ، تو ساکتی اما ، بلایی
 رفیق اکبری مهرداد آقای کرمی
 ارشیا مجتهدی تو رایانه فعال
 اتو کشیده و مثبت ، داری تو از کی می‌گی
 بردیا خان مقیسه ، سگ و مینا داره دوست

بسکه این جمع همه ، اهل دل اهل صفا
 آخرین نفر که پا میشه ، تو امتحان
 فوتبالیستی که دست هاش همش آویزانه
 آقا عماد بیز لطف اله بیر آز د تار وور
 کی می‌دونه کیه اون ، کیارش پوست ور
 حیفه گاهی توی درسهاش می‌کنه اون اهمال
 من نمی‌گم ، همه می‌دونن ، آرش حیدریه
 می‌گن اون قرمزتس ، آقا کوشان خاشع
 بچه‌ی ساکتیه ، امیرحسین خاکزاد
 همه می‌گن مثل « جان کوچولو » خیلی خوب
 رحیمیان کوچیکه ، منظورم آقا برسام
 حسام‌الدین ساعیه ، باهوش و فوتبال باز
 آقا شروین شفیعی ، آبی است همیشه سرور
 امیرحسینی که فامیلیشه صادقی‌زاده
 اهل فیلم و سینما ، علیرضای صلح‌چی
 ای عزیزبگی ز هر چی بگی می‌دانه چیز
 سر زبان خوبی هم ، ربّ جلیل بهش داده
 خواب‌تی شرت بی آرم رو توی خوابش دیده
 اون عمادالدینی که لاغر و پر کاره
 مطمئن باشید امیر سپهر قریشی نیست
 با تو هستم امیر احمد آقای کربلایی
 جای دستت با زبان حرف بزن ، آخه دمی
 همکار ساعدی تو جشن شما ، امسال
 خوب دانستید ، محمد طه ، محراب بیگی
 با کارهای قانونی ، جمله‌ی کاراش نیکوست

توپول و سر به زیر و درس خوان و خیلی مَشْتِه
سید مهدی موسوی مهربون و با ادبه
سید رضا میر محمد صادقی اسکی‌باز
عاشق فوتبال و شیطان ، مو و ابرو پُرپُشت
حالا به افتخار این گل‌ها همّه با هم

بچه‌ی درس خوانِ ما ، مهدوی سرشته
بچه با معرفتِ ، با بدی‌ها خیلی بده
کشتی کچ دوست داره و با رایانه خیلی ناز
آقا ماکان نماز با موبایل ما را کشت
بزنی دست که هیچ وقت نبینند ، رنج و غم

سوم دویی‌ها ، چه مهربونند
 افلاطونیان ، آقا خشایار
 سید میلاد امیرحسینی ، واه واه
 عکاس و ماه و هم هنرمند
 کرمان و امیررضا باقرپور
 رزمی‌کار و تو شنا آماده
 تودار و بی دردسر و آرام
 ممد جعفری با جفت مضراب
 پینگ پنگ بازی می‌کند ، گاهی
 دیر می‌اومد همیشه ، به کلاس
 * آلا ، سنی ساخلاسون ، شادان
 عرفان عزیز ، زرین‌آبادی
 بنیامین ساعدی دف زن
 با زرین‌آباد تو شادمانی
 کم خور فلافل که داره آفت
 همیشه تو دفتر با لبخند
 * شایان بری چی یادم ندادی
 حیف از مشهد و امام رضاش نیست
 کم درس بخوان صادقی زمانی
 صدیق که نیم رخ است همیشه
 روزبه لیدر است و عشق موهاش
 طاهر دتاک و ادا و اطوار
 با عینک و فوتبالیستی . . . عالی ؟
 محبوب ساعدی چگونه
 راستی چرا صبح‌ها خواب می‌مونی

قدر هم رو خیلی خوب می‌دونن
 درسش عالی و بسی وفادار
 سلمونی میره ، ولیک گاه گاه
 حرف‌های امیر یاوریست ، قند
 هر امر به زعم اوست ، میسور
 آقای سهیل تقوی‌زاده
 با هر کسی هست او در احلام
 بر تار دلا می‌کوبه ، تاب تاب
 امیرحسین ، جمال صلاحی
 با قند بلند خود ، حق شناس
 یاشاسان ، آرمین دیزجیان
 بنویس و بکن ز جمع یادی
 کم تنبک رو جای دایره می‌زن
 همیشه ، علی آقا شامانی
 کم سر بتراش ، علی شرافت
 با شیطنت‌هاش ، علی شیخوند
 رفیق بازی ر تو شیرزادی
 او گنبد و بارگاش چه عالیست
 ترسم که تو منزوی بمانی
 با منتقدش رفیق همیشه
 صیادی‌نژاد ، موهات رو بتراش
 تقلید صدش قشنگ بسیار
 سامان طاهری چه خوش خیالی
 محبوب پیش بچه‌ها می‌مونه
 شیر مهاباد ، ممد قانونی

دوست داشتنی و همیشه درس خوان
لؤلؤیی یره سه تار چه کار
روزی اگه رفتی تا خراسان
حرف دلا رَ بگو پِراش تو
کم باش نگران کارن نوروزی
ممد دانیال جوان خوش نام
این ریزه میزه آرش هنرخواه
اردلان هنری ، جدیده امسال
تشویق کنید ای عزیزان

سیناست ، سینای کاظمیان
درست رو بخوان که افتخار
رفتگی به درگه او سلطان
ما رَم بَطَلَب ضامن آهو
تا چاق بشی تو هم یه روزی
خیلی با کلاسه آقا نیکنام
آرام و خجالتی است ، واللّه
درس خوان و مودب است و فعال
این گل پسرای خوبرو الان

رسیدیم به سه‌ی سه ، با حساب و هندسه
 اهورا مزدا آریا زند ، سبزه ، شیرین مثل قند
 عابد آقاجان نژاد ، هر روز یک موبایل می‌خواد
 امیر اردلان آهنچی ، روابط عمومی ، هیچی
 امیرعلی امامی ، عشق کاناداست تمامی
 تو خودشه آنیما ، ببری دور از بچه‌ها
 جعفری آقا مهرداد ، صدش خوبه در بیاد
 مهربان و کم بیان ، سید نیما جمالیان
 ایلیا چینی فروشان ، شطرنج‌باز و خوش زبان
 حیدری طرقي جان ، چاق‌ترین دروازه‌بان
 خوش لهجه رفت از ایران ، دور از ایران الان
 رضایی ، آبی ، آبی ، یک شب دیده یه خوابی
 می‌گن آران ستاری ، زبان گرمی داری
 محبوب بین دوستان ، یک سودبر و یک شایان
 علی سید درآجی ، می‌گن به دوست محتاجی
 شاعری دست شکسته ، تو امتحان نشسته
 * راستی چه شد امتحان ، آی بچه‌ی اصفهان
 صفاجو احسان آقا ، آرامه تو بچه‌ها
 به مجلس گرمی داده ، آقای عرب‌زاده
 غفاری گل بیرجند ، رامان یک دنیا لبخند
 قانع فرد قد بلند ، دائم داره می‌خنده
 فلفلی ، ریزه میزه ، شیک پوش و تمیزه
 ممد کربلایی جعفر ، تو هر امتحان آخر
 کریمی ، آقا نوید ، راه‌آهن چو او ندیده
 کورش متولی‌زاده ، کسری مگه زیاده

یک جمع شاد و خندان ، یک بمب توی مدرسه
 با عینک و درس‌خوان ، رو لبه‌اش یک لبخند
 توی زمین فوتبال ، با توپ می‌کنه بیداد
 خنده و شیطنت چی ، خدا جون هیچی ، هیچی
 هر چی بگی تو داره ، با حرفی یا کلامی
 اون اهل ارتباط نیست ، ترسم بمونه تنها
 اون آذری نژاد ، رفتارش مثل مهرداد
 حرف گوش کن و مهربان ، اومده از اردکان
 تو پُر و سبزه ، مبزه ، خود رأی شده این زمان
 با ناخن‌های بلندت ، چرا تو خودی الان
 خدا نگه‌دارش باش ، حمیدرضای مهربان
 اس اس شده قهرمان ، این خوابه و سرابی
 می‌گن تند میری گاهی ، نیاز به ترمز داری
 دوست داشتنی ، با ادب ، خوش اخلاق و مهربان
 برای پرنده‌ها تو ، شنیدم شدی ناجی
 گاهی پرخاشگری تو ، گاهی سنگین و خسته
 کوشای شریفانی ، آ چرا فرزی الان
 درس‌خوان و تودار ، دوست آهنچی است حالا
 خدا به این سیدش ، زبان چو قَدش داده
 سبزه و پر انرژی ، نکش جیغ آخه یک چند
 اصیل و با احترام ، عزیزه و دلبنده
 مهدی قلعه‌بانی ، می‌گه سمنان عزیزه
 ورق می‌ده همیشه ، نمره می‌گیره بهتر
 درس‌خوان ، همیشه مثبت ، میشه یک روز پدیده
 فراموشش تو کردی ، راستی میبده آباده ؟

رزمی ، مرصع فر ، تنهایی یک لشگر
سینا نوروزیان فر ، ارتوپد می‌شه آخر
بهراد نیک‌بختیان ، مثال یک قهرمان
امیرحسین وحیدی ، چیه مگه خون دیدی
یوسف گرجی ، آرامتین ، کمی آروم تو بنشین
قصه‌ی ما سر اومد ، شوخی به آخر اومد
حالا برای خوداتون ، به عشق بچه‌هاتون

با مسئولیت‌پذیری ، دل از همه می‌بره
فمور اگه بشکنه ، با پروتز میشه بهتر
فعال توی کارهاش ، خوش هیکل و خوش بیان
پسر تو پات شکسته ، چرا از جات پریدی
اکشن ، صدات یک توبه ، تاپی ، نشو تو غمگین
منو به من ببخشید ، حوصله‌تون سر اومد
یک دست خوب و محکم ، ممنونم از صفاتون